



بازخوانی یک پرونده‌ی قدیمی

قسمت سوم؛ • بررسی و تدوین: علاء نوری

تناسب و موضوع‌های کتاب‌های کمک‌درسی

اشاره

شمارگان و عناوین کتاب‌های کمک‌آموزشی که به بازار نشر راه می‌یابند، بیانگر نیاز و استقبال مخاطبان از این گروه کتاب‌هاست. از سوی دیگر، بررسی این گروه کتاب‌ها نشان می‌دهد که کمتر با معیارهای مطلوب هماهنگی دارند. پس این پرسش‌ها به ذهن می‌رسند که: دوگانگی مذکور از کجا ریشه می‌گیرد؟ راه‌حل مناسب برای تقویت کتاب‌های مطلوب چیست؟

چگونه می‌توان بازار را به سمت وسوی مطلوب هدایت کرد و یا به بیان دیگر، نیازهای واقعی موجود را در مسیر نیازهای صحیح و قابل قبول سوق داد؟

پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند بررسی دقیق‌تر و بیشتری است. در این مقاله، با مراجعه به نوشته‌های متفاوت در این موضوع و دریافت نظر کارشناسان و برخی مؤلفان کتاب‌های درسی، تلاش شده است تا فرضیه‌هایی برای پاسخ به پرسش‌های این بررسی بیان گردد. برای سهولت می‌توانیم توضیح‌ها و توصیه‌های موجود در پاسخ به پرسش‌های مذکور را در ارتباط با دو دسته از کتاب‌ها مطرح کنیم:

۱. کتاب‌های کمک‌درسی، کنکور و آزمون‌های ورودی؛

۲. کتاب‌های کمک‌درسی فراسوی کنکور.

۱۹۲/۲۳۹/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۲۰

کتاب‌های کمک‌درسی، کنکور و آزمون‌های ورودی

«مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران» (ایسپا)، براساس یک تحقیق میدانی اعلام کرده است که یک سوم داوطلبان کنکور سال ۱۳۸۳، هر کدام به‌طور متوسط ۴۸۰ هزار تومان برای نشستن پای درس استادان فن کنکور پرداخته‌اند. این تعداد از داوطلبان که در حدود ۴۷۴ هزار نفر بوده‌اند، چرخش مالی کلاس‌های کنکور را به ۲۲۷ میلیارد و ۵۲۰ میلیون تومان رسانده‌اند» [۱۳۸۶].

ارقام به‌خوبی حکایت از برزخ و دوزخ و بهشتی می‌کنند که از کنکور و مردودی و قبولی در دانشگاه برای نوجوان این مرزوبوم ساخته شده است. در این آشفته‌بازار، طبیعی است که «سفره‌ی ارتزاقی رندان فرهنگ باز و فرهیخته سوز و حل المسائل فروش را برتر از هر شغل دیگر بنگریم»^۲ [فیاض بخش، ۱۳۸۶].

محمود معافی، از کارشناسان باسابقه‌ی «دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی» اظهار می‌دارد، در همه‌ی کشورهایی که کنکور اهمیت دارد، تولید چنین کتاب‌هایی رواج دارد و مورد توجه است. ایشان به‌عنوان نمونه، کشور هند را مثال می‌زند که در آن‌جا نیز، انبوه کتاب‌های کنکور مدار، کیف نوجوانان کنکوری را سنگین کرده است. وی راه‌حل را «تقویت یادگیری با توجه به هدف‌های واقعی (نیاز بازار)، نه فقط اهداف مطلوب می‌داند.» به بیان دیگر، می‌توان در برنامه‌ی رسمی، دوره‌ی آموزش ویژه‌ای که فراگیران را برای آزمون جامعی چون کنکور آماده می‌سازد، تدارک دید. شاید دوره‌ی پیش‌دانشگاهی یا چنین آرمانی به‌وجود آمده باشد، اما در چرخه‌ی عمل، ماهیت ابتدایی خود را از دست داده است!

«نزدیک به یک دهه از استقرار جدید مدرسه‌ای به‌صورت سه سال دبیرستانی و یک سال پیش‌دانشگاهی می‌گذرد. این نظام، اقتباسی بود از نظام‌های آموزش دبیرستانی در آلمان، اتریش و سوئیس که در آن دیارها، با هدف غربال کردن دانش‌آموزان در آستانه‌ی ورود به دانشگاه و رهنمونی ایشان به بازار کار بوده است و طبیعتاً شرایط اشتغال به موازات این نظام آموزشی فراهم شده است. اکنون سؤال می‌کنم، کدام دانش‌آموز در دهه‌ی اخیر پس از گرفتن دیپلم دبیرستان، با راهنمایی مشاورین آموزشی و با استقبال مراکز کار و اشتغال، از ثبت نام در پیش‌دانشگاهی صرف نظر کرده است؟ اگر قرار بود هم چوب را بخوریم و هم پیاز را، دیگر چه ضرورتی به تفکیک دبیرستان از پیش‌دانشگاهی بود؟ از سوی دیگر، تازمانی که مدارس فنی و حرفه‌ای به لحاظ منزلتی-روانی، محل مراجعه‌ی دانش‌آموزانی است که از مدارس نظری و امانده‌اند، جهت‌گیری اشتغال زودرس و اقبال به سمت بازار کار در اوایل جوانی، هم‌چنان امری نامقبول و نامتعارف خواهد بود؛ دقیقاً همان چیزی که در کشورهای پیشرفته، نه تنها شانس و فرصت، بلکه افتخار و منزلت برای نوجوانان و جوانان محسوب می‌شود.» [پیشین].

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری اعلام کرده است: «برنامه‌ریزی وزارت علوم در کنکور ۸۶ به گونه‌ای بود که سه‌چهارم داوطلبان وارد دانشگاه‌های کشور شدند. در سال آینده (کنکور ۸۷)، از هر ۱۰ نفر ۹ نفر پذیرفته خواهند شد و تا پایان دولت نهم، میزان پذیرفته‌شدگان به ۱۰۰ درصد می‌رسد. یعنی تمامی داوطلبان می‌توانند به دانشگاه بروند» [روزنامه‌ی ایران، ۱۳۸۶].

یک اقدام مناسب
می‌تواند حمایت
از کتاب‌هایی باشد
که در بازار موجود
می‌کشند، ملاک‌ها
را رعایت کنند

۱۳۸۷/۲۳/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۲۱

حتی با این وعده‌ها نیز ورق در بازار نشر برنگشته است و آمارهای اخیر نیز هم‌چنان از ربودن گوی سبقت شمارگان و عنوان کتاب‌های آموزشی منتشر شده توسط کتاب‌های کنکور حکایت دارند. زیرا با حذف کنکور، رقابت جدید و احتمالاً وحشتناک‌تری بر سر تصاحب صندلی رشته‌ها و دانشگاه‌های پرطمطراق پدید خواهد آمد. «به این ترتیب در حقیقت هیولای کنکور در جلوه‌ی هیولای دیگر به نام رشته‌های مرغوب خودنمایی خواهد کرد و چیزی عوض نخواهد شد. حذف کنکور، جز با تقویت کمی و کیفی مدارس فنی و حرفه‌ای، ایجاد اشتغال مولد و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و تشویق دانش‌آموزان به رفتن به سمت بازار کار پس از احراز دیپلم دبیرستان، میسر نیست و این هر سه، تنها در سایه‌ی شعار گذرا و روزآمد حذف کنکور محقق نخواهد شد» [قیاض بخش، ۱۳۸۶].

بحث درباره‌ی کتاب‌های کنکوری را با همین مختصر به پایان می‌بریم؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این محمل، در یک جمله به نظر می‌رسد، بازار نشر کتاب‌های کنکوری نشانگان بیماری مهلکی است که نظام آموزشی با آن روبه‌روست و منشأ آن بی‌توجهی به نیازهای واقعی جامعه در تربیت نیروی کار فنی و حرفه‌ای و ایجاد اشتغال مولد و علمی است.

کتاب‌های کمک‌درسی فراسوی کنکور

غول کنکور سایه‌ی شوم خود را بر سال‌های پایین‌تر نیز افکنده است. در سال‌های اخیر به روشنی حس می‌شود که اولیای دانش‌آموزان می‌کوشند، از سال‌های پایین‌تر موقعیتی را فراهم کنند تا فرزندان‌شان را در مسیر موفقیت از دیدگاه رایج که همان قبولی در کنکور است، قرار دهند. لذا شیوع فزاینده‌ی آزمون‌های ورودی، مسابقه‌های کتبی و آزمون‌های ادواری با نام‌های متفاوت را شاهد هستیم. مدرسه‌های دولتی و غیرانتفاعی در طول سال چندین بار آزمون‌های جامع برگزار می‌کنند، کارنامه‌هایی به سبک کنکور ارائه می‌دهند و... گسترش آزمون‌هایی به سبک کنکور در سال‌های پایین‌تر، به دنبال خود کتاب‌هایی را می‌طلبد که فراگیران را آماده‌ی این گونه‌ی آزمون‌ها کنند. بنابراین تعجب ندارد که شاهد افزایش عنوان و شمارگان این کتاب‌ها در بازار نشر هستیم.

خسرو داودی که مسئول بازرگانی کتاب‌های ریاضی دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» بوده است، نوع ارزش‌یابی حاکم در نظام آموزشی را مهم‌ترین عامل فروش کتاب‌های غیرمناسب می‌داند. «کتاب‌هایی فروش زیاد دارند که به دانش‌آموزان کمک کنند، در این گونه ارزش‌یابی‌هایی، مثلاً در امتحانات نهایی، موفق شوند» [خیری، ۱۳۸۶]. وجود چنین ارزش‌یابی‌هایی خطری بزرگ محسوب می‌شود که سال‌هاست، کارشناسان دلسوز آموزش و پرورش حاکمیت آن را بر نظام آموزش و برنامه‌ی درسی باعث اختلالات فراوان روانی و رفتاری دانسته‌اند. برای مثال، به نوشتاری از **مرتضی خلخالی** در این زمینه اشاره می‌کنیم که در آبان سال ۱۳۷۵ منتشر شده است: «غول نظام امتحان و ارزش‌یابی‌های سنتی هم‌چنان بر نظام آموزشی سایه افکنده است و با اغلب نوآوری‌های برنامه‌ریزی درسی به مقابله می‌پردازد. تأکید بیش از حد و تقریباً انحصاری بر حجم عظیم دانش محض، دانشی که بنا به ماهیت، یادگیری آن پس از پشت سر گذاشتن جلسه‌ی امتحان غالباً

فراهم کردن پایگاه

اینترنتی

و بایگانی‌های

در دسترس

از رسانه‌های لازم

برای تولید کتاب

می‌تواند یکی دیگر از

راه‌های جلب مشارکت

باشد

۱۳۹۰/۲۳/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۲۲

فراموش می‌شود و به مرور زمان به سرعت کهنه می‌گردد، به‌طور فزاینده‌ای همه‌ی ابعاد نهادهای آموزشی و ارزش‌یابی و حتی زندگی دانش‌آموزان را تحت‌الشعاع خود قرار داده و می‌دهد. دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها... با دلهره و اضطراب، وقت و زندگی و داروندار خود را برای شرکت در انواع مسابقه‌های دومانند و کسب هرچه بیشتر دانش نظری لازم برای عبور موفقیت‌آمیز از موانع آزمون‌های گوناگون صرف می‌کنند. چه بسا که این‌گونه اضطراب‌ها و هیجان‌ها در سنین کودکی و نوجوانی، زمینه‌ساز پیدایش اختلالات رفتاری و روانی در بخش قابل توجهی از جوانان در مراحل بعدی می‌شوند»

در گفت‌وگویی غیررسمی، **حسین الوندی**، کارشناس مسئول گروه زیست‌شناسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، علت افزایش عنوان و شمارگان کتاب‌های کمک‌درسی در رشته‌های علوم تجربی را چنین برمی‌شمارد:

■ این رشته‌ها در کنکور بیشتر مورد توجه هستند و انتظار از این رشته‌ها در کنکور بیشتر است.

■ اگر روش آموزش و ارزش‌یابی درست هم باشد، باز هم به دلیل ماهیت علم و پیچیدگی این رشته‌ها به تجزیه و تحلیل بیشتری نیاز است. بنابراین طبیعی است که در پاسخ‌گویی به این نیاز، شاهد کتاب‌های بیشتری در این زمینه باشیم. چگالی موضوع‌ها در رشته‌های علوم تجربی و ریاضی بیشتر است. و معمولاً نیاز بیشتری به تمرین، تبعیت، ترمیم و غنی‌سازی آموخته‌ها در این موضوع‌ها احساس می‌شود.

به نظر می‌رسد که دلایل فوق، فرضیه‌های درستی برای بیان علت افزایش عنوان و شمارگان کتاب‌های درسی رشته‌های علوم تجربی در دوره‌های دانشگاهی هستند؛ به‌ویژه آن‌که بر تنوع رشته‌ها و فراوانی دانشجویان در سال‌های اخیر افزوده شده است و احساس می‌کنیم، تب کنکور از ورود به دانشگاه به ورود به مراحل بالاتر و ادامه‌ی تحصیل و دریافت مدارک بالاتر دانشگاهی رسیده است.

تولید کتاب‌هایی از این دست، ساده و آسان است. معمولاً این کتاب‌ها محتوای تکراری دارند و یک موضوع یا هدف آموزشی را با اسم‌های متفاوت و مدل‌های گوناگون عرضه می‌کنند، اما ماهیت و محتوا یکسان است. از سوی دیگر، تقاضای زیاد برای این کتاب‌ها، با توجه به استقبال فراگیرندگان و خانواده‌های ایشان موجب شده است که ناشران به انتشار این قبیل کتاب‌ها رو آورند.

در حالی که یک کتاب علمی معمولی با شمارگان دو یا سه هزار جلد ممکن است بیش از یک سال در انبار ناشر باقی بماند، می‌توان اطمینان داشت که یک کتاب کمک‌درسی مثل دفتر تمرین و تکلیف یک کالای مصرفی است که در سال تحصیلی به آسانی به مصرف می‌رسد.

در بیستمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب»، نشستی با حضور نوجوانان و دیگر علاقه‌مندان برای بررسی درس علوم تجربی و کتاب‌های مربوط به آن برگزار شد. در این نشست، **مرتضی مجدفر**، سردبیر مجله‌ی رشد ابتدایی خاطرات خود را از کتاب علوم تجربی که می‌خوانده است چنین نقل می‌کند: «کتاب علوم که ما می‌خواندیم، چیزی حدود ۴۴ سال در کشور تدریس شده بود. این کتاب در آخر هر فصل، یک سلسله سؤال داشت. معلم‌ها هم

والاترین حمایت

از کتاب‌های مناسب

کمک آموزشی

نهاده‌ی نه‌کردن

رویکرد جدید

و توجه به روش‌های

یاددهی - یادگیری

است

۱۳۹۰/۲۳/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۲۳

خودشان تعدادی سؤال و جواب به دانش‌آموزان می‌دادند که آن‌ها را به‌خاطر بسپارند تا در روز موعودی به‌نام امتحان، روی کاغذ بیاورند و نمره بگیرند. اکنون هفت‌هشت سال است که کتاب‌ها تغییر اساسی داشته‌اند و رویکردی جدید در این کتاب‌ها مشاهده می‌شود.»

محمود امانی، از نویسندگان کتاب‌های علوم تجربی، در توضیح این رویکرد بیان می‌کند: «قبلاً می‌گفتند علوم بخوانید، ولی الان می‌دانیم که علوم را باید بیاموزیم؛ یعنی با کارهای متفاوت که یکی از آن‌ها هم می‌تواند مطالعه باشد، مفاهیم را یاد بگیریم.» وی ویژگی کتاب‌های آموزشی مناسب برای علوم را چنین ذکر می‌کند: «در این کتاب‌ها سعی شده است، طی آموزش‌های گوناگون، دانش‌آموز مفاهیم را به‌گونه‌ای یاد بگیرد که بتواند در جاهای دیگر نیز به کار برد و این فقط وقتی امکان دارد که یک مفهوم را خوب یاد گرفته باشد. بنابراین، کتاب‌ها سرشار از یادگیری فعال هستند؛ یعنی دانش‌آموزان برای درک مفاهیم باید آزمایش کنند، مشاهده و تحقیق داشته باشند، فکر کنند و نهایتاً موضوعات متفاوت را یاد بگیرند.» [خیری، ۱۳۸۶].

با این گفتار می‌خواهم بار دیگر این فرضیه را یادآور شوم که: افزایش عنوان و شمارگان کتاب‌های کمک‌درسی مذکور می‌تواند به این دلایل باشد:

۱. فاصله‌ی معناداری بین برنامه‌ی قصد شده و برنامه‌ی اجرا شده وجود دارد. زیرا هنوز هم بسیاری از معلمان برای کتاب‌های جدید، سؤال و جواب به دانش‌آموزان می‌دهند تا در روز موعود امتحان روی کاغذ بیاورند و نمره بگیرند. بنابراین، بازار کتاب‌های حاوی این سؤال و جواب‌ها، در روزگاری حوصلگی دانش‌آموزان برای نوشتن از یک سو، و تسهیلات نشر از سوی دیگر، داغ داغ است.

۲. تولید کتاب‌های مناسب توصیف شده، صرف وقت و کار جدی توسط مؤلف را می‌طلبد و



به دلیل خصوصیات این نوع کتاب‌ها، مستلزم کار ویژه‌ی نشر نیز هست که در بازار موجود، رغبت چندانی برای آن وجود ندارد.

۳. گاه گفته می‌شود لازم است، مسئولان آموزشی از این کتاب‌ها حمایت کنند. البته این امری لازم و مناسب است، لیک باید توجه داشت که والاترین حمایت از کتاب‌های مناسب کمک آموزشی، نهادینه کردن رویکرد جدید و توجه به روش‌های نوین ارزش‌یابی و تدریس (یاددهی - یادگیری) است. زیرا با نهادینه شدن رویکرد جدید بدیهی است، خیل عظیم فراگیرندگان و اولیای ایشان به کتاب‌هایی که با این رویکرد مطابقت داشته باشند، روی خواهند آورد.

در مجموع، باید از تلاش‌های در خور جشنواره برای نهادینه کردن رویکرد جدید به کتاب‌های آموزشی تقدیر و تشکر کرد. زیرا جشنواره، از زبان شکل‌گیری خود در سال ۱۳۷۹، توانسته است آثار و کتاب‌های مناسب را شناسایی و معرفی کند، با تولید سندهای متفاوت در مسیر استاندارسازی تولید منابع و کتاب‌های آموزشی گام بردارد، و در حد توان نیز از تولیدکنندگان این‌گونه آثار حمایت و قدردانی کند.

آن چه می‌تواند تلاش‌های هفت‌ساله‌ی جشنواره را درخشش بیشتری بخشد، کوشش برای جلب مساعدت و هماهنگی لازم در میان سیاست‌گذاران عرصه‌ی کتاب و جلب مشارکت تولیدکنندگان و توجه به نیازهای مصرف‌کنندگان است. در ادامه، با بیان راهکارهایی برای تحقق موارد ذکر شده، این مقاله را به پایان می‌بریم:

۱. هماهنگی در سیاست‌گذاری برای کتاب‌های آموزشی: علاوه بر نهاد رسمی آموزش و پرورش، ارگان‌های متعددی وجود دارند که به ترویج و اشاعه‌ی کتاب در مدارس می‌پردازند، کتاب‌های برگزیده را انتخاب می‌کنند و به نوعی جشنواره‌های گوناگون کتاب را در مجموعه‌ی فهرست خدمات و وظایف خود رقم می‌زنند. کتاب‌هایی که این ارگان‌های مختلف انتخاب، ترویج و تبلیغ می‌کنند، از ویژگی‌های یکسانی برخوردار نیستند.

خوش بختانه، دفتر سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی، متولی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، بیش از ۲۰ سند در خور توجه را به عنوان «راهنمای تولید کتاب آموزشی» فراهم آورده است که به تبیین ملاک‌های کتاب‌های مناسب در حوزه‌های متفاوت درسی اختصاص دارند. ضروری است این سندها به دیگر ارگان‌ها به خوبی معرفی شوند و به معیار قابل قبولی برای انتخاب کتاب‌های آموزشی تبدیل گردند. در سال‌های اخیر، شهرداری تهران نیز به توزیع کتاب‌های آموزشی دست زده است. هماهنگی مجموعه‌ی این نهادها می‌تواند ملاک‌های کتاب‌های مناسب را تثبیت کند.

جشنواره می‌تواند با ارتقای اعتبار و روایی مجموعه‌ی فعالیت‌های خود، جایگاه خود را به عنوان نهادی مورد قبول همگان تثبیت کند. در این راستا، استفاده از کارشناسان برجسته‌ی هر رشته برای داوری - ارائه‌ی ملاک‌های عینی رعایت شده در کتاب‌های برگزیده - تولید نمونه‌ها و الگوهایی با رعایت ملاک‌ها، فراهم آوردن تسهیلات تولید کتاب‌های مناسب و ... می‌توانند راهکارهایی مناسب باشند.

**جشنواره می‌تواند
با ارتقای اعتبار
و فعالیت‌های خود،
جایگاه خود را
به عنوان نهادی
مورد قبول همگان
تثبیت کند**

۲. **جلب مشارکت تولیدکنندگان:** علاوه بر تمهید سازمانی برای تولید کتاب‌های مناسب، حمایت عام از تولیدهای مناسب می‌تواند، جلب مشارکت تولیدکنندگان را موجب شود. بدیهی است که این حمایت به معنای استفاده از رانت‌ها یا امکانات خاص برای دایره‌ی محدود تولیدکنندگان مرتبط نیست. فراهم‌آوری شبکه‌ی توزیع سریع و ارزان کتاب‌های مناسب، معرفی به روز و به‌هنگام کتاب‌ها در مدارس و رسانه‌های عمومی، برگزاری نمایشگاه‌ها و... را می‌توان نمونه‌هایی از راهکارهای جلب مشارکت تولیدکنندگان قلمداد کرد. فراهم کردن پایگاه اینترنتی و بایگانی‌های در دسترس از رسانه‌های لازم برای تولید کتاب، از قبیل عکس، آمار، نمودار و... می‌تواند یکی دیگر از راه‌های جلب مشارکت باشد.

۳. **توجه به نیازهای مصرف‌کنندگان:** در این بُعد، یک اقدام مناسب می‌تواند حمایت از کتاب‌هایی باشد که در بازار موجود می‌کشند، ملاک‌ها را رعایت کنند. یعنی با خواست‌های عاجل مخاطبان هماهنگی دارند و در عین حال، از ملاک‌های کتاب آموزشی خوب هم غافل نبوده‌اند. برای مثال، کتابی که مجموعه‌ای از تست‌های کنکور را طبقه‌بندی و ارائه می‌کند و برای پاسخ‌روشن‌های فعال را برمی‌گزیند، می‌تواند کتاب قابل‌قبولی باشد. اقدام دیگر برای توجه به نیازهای مصرف‌کنندگان، آگاهی دادن به معلمان، والدین فراگیرندگان و خود ایشان در راستای رویکرد جدید است. به این منظور، استفاده از برنامه‌های جذاب تلویزیونی و فرصت‌های دیگر رسانه‌ها (مطبوعات، اینترنت، سی‌دی و...) توصیه می‌شود. این اقدام می‌تواند، نیازهای موجود را به سمت نیازهای مطلوب هدایت کند. معرفی امتیازها و ویژگی‌های کتاب‌های مطلوب و بیان این‌که چگونه این کتاب‌ها فرایند یادگیری را تسهیل می‌کنند، گام مهمی برای جهت‌دهی به نیازهای مصرف‌کنندگان است.

منابع

۱. امین، محسن (۱۳۸۶). «چاه نفت چهارگزینه‌ای». همشهری جوان. شماره‌ی ۱۲۹ / ۲۰ مرداد ۱۳۸۶.
۲. فیاض‌بخش، محمدعلی (۱۳۸۶). «مکتوب هفته - محشر کنکور، برزخ انتظار». روزنامه‌ی اطلاعات. پنج‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۸۶. شماره‌ی ۲۳۹۵۱.
۳. روزنامه‌ی ایران. سال سیزدهم. شماره‌ی ۳۷۵۶. سه‌شنبه ۱۷ مهرماه ۱۳۸۶.
۴. خیری، مهستی (۱۳۸۶). «گزارش دو نشست علمی و آموزشی در سرای اهل قلم». کتاب هفته. شماره‌ی ۸۰. شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۶.
۵. خلخالی، مرتضی (۱۳۷۵). نقدی بر نظام امتحانی و سنجش یادگیری‌های دانش‌آموزان در ایران. انتشارات پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. نشریه‌ی شماره‌ی ۳. آبان ۱۳۷۵.